



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۲۳

نویسنده: ن. جلیل زاد

## طلوعی که هنوز در حافظه ما می درخشد طلوع صد ها «نخستین» در تاریخ افغانستان

طلوعی که هنوز در حافظه ما می درخشد دوره امانی طلوع صد ها «نخستین» در تاریخ افغانستان تاریخ افغانستان، همچون کتابی زخمی اما زنده، فصل هایی دارد که هر بار ورق می خورند، روح انسان را میان اندوه و شگفتی معلق می گذارند. در میان این فصل ها، دوره امانی جایگاهی یگانه دارد، دوره ای که در آن، برای نخستین بار پس از قرن ها سکون، نسیمی از بیداری بر چهره این سرزمین وزید.

امان الله خان غازی، با جسارت و بینشی که در آن زمان در منطقه کم نظیر بود، تصمیم گرفت افغانستان را از تاریکی سنت های فرسوده، از انجماد ساختارهای پوسیده و از زندان جهل تاریخی بیرون بکشد و به سوی جهانی نو، جهانی قانون مند، آگاه، آزاد و انسانی ببرد. این دوره، تنها یک سلسله اصلاحات سیاسی نبود، یک جنبش تمدنی بود. جنبشی که در آن، هنر و ادبیات، قانون و عدالت، آموزش و آگاهی، آزادی و کرامت انسانی، همه در کنار هم به حرکت درآمدند.

امان الله می دانست که جامعه بی سواد، بی هنر، بی قانون و بی عدالت، هرگز نمی تواند به استقلال واقعی برسد. از همین رو، اصلاحات او نه سطحی، بلکه ریشه ای بود، نه تقلیدی، بلکه مبتنی بر فهم عمیق از نیازهای زمانه. دوره امانی، دوره «صدها نخستین» است، نخستین پوهنتون، نخستین قانون اساسی، نخستین جنبش زنان، نخستین تئاتر، نخستین سینما، نخستین شبکه آب رسانی، نخستین بند برق، نخستین کتابخانه عامه، نخستین موزیم ملی، نخستین لغو برده داری، نخستین اصلاحات قضایی، نخستین روزنامه های مدرن، نخستین سروی معادن، نخستین راه های مواصلاتی، نخستین خدمات صحتی عصری، نخستین آموزش دختران در خارج از کشور، و ده ها «نخستین» دیگر که هر یک، سنگ بنای افغانستان نو بود.

کوشش این قلم، بازخوانی دوباره آن فصل درخشان است، فصلی که اگرچه کوتاه بود، اما همچنان در حافظه تاریخی ما می درخشد و همچون چراغی خاموش ناشدنی، راه آینده را نشان می دهد. دوره امانی، در میان طوفان های سیاسی و اجتماعی زمانه، همچون سپیده دمی بود که بر فراز شانه های یک جامعه خسته اما تشنه تغییر طلوع کرد. امان الله خان غازی، با روحی جوان، اندیشه ای روشن و اراده ای استوار، تصمیم گرفت افغانستان را از قید و بند قرن ها عقب ماندگی رها کند و تهداب یک کشور نو را بگذارد، کشوری که در آن قانون، هنر، آموزش، آزادی و عدالت، جایگزین سنت های فرسوده و ساختارهای پوسیده شود.

از همین روست که این دوره را «عصر صدها نخستین» می نامند، عصری که در آن، هر روز دری تازه به سوی جهان مدرن گشوده می شد. در جامعه ای که هنر نفس نمی کشید و موسیقی یا از هند وارد می شد یا اصلاً وجود نداشت، امان الله نخستین جرعه های بیداری هنری را روشن کرد. او می دانست که فقر هنر، نشانه فقر روحی یک ملت است. سینما برای نخستین بار وارد کشور شد و قرار بود تالارهای نمایش در سراسر افغانستان برپا شود. تئاتر معاصر شکل گرفت و نخستین نمایشنامه آن، «جریان آزادی افغانستان»، با حضور شخص شاه و ملکه ثریا روی صحنه رفت، اقدامی که نشان می داد هنر، نه تفنن، بلکه ابزار آگاهی و بیداری است.

ملکه ثریا حتی زیورآلات و لباس های شخصی خود را در اختیار هنرمندان گذاشت تا تئاتر نوپای افغانستان با شکوه بیشتری آغاز شود. در نقاشی نیز، تابلوهای رئالیستی برای نخستین بار در تالارهای مکاتب و موزیم ها آویخته شد. استاد غلام محمد میمنگی، با قلم جادویی اش، روح تازه ای در هنر تصویری کشور دمید. اما این شکوفایی با مقاومت متعصبان روبه رو شد، کسانی که نقاشی را تحریم کرده و هنرمندان را تکفیر می کردند. ادبیات نیز در این دوره پوست انداخت. نثر و شعر نوین، جای ادبیات متکلف و چاپلوسانه گذشته را گرفت و عصر امانی به عنوان دوره «بازگشت ادبی» در تاریخ افغانستان ثبت شد. چند اثر مهم از زبان های اروپایی به دری ترجمه شد و افق تازه ای

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

پیش روی اهل قلم گشوده شد. در کنار هنر و ادبیات، اصلاحات اجتماعی و حقوقی نیز با شجاعت بی سابقه ای آغاز شد. برده داری و غلام بچه‌گی برای نخستین بار لغو شد، پدیده ای که قرن‌ها بر شانه‌های مردم، به خصوص هزاره‌ها، بدخشی‌ها، پنجشیری‌ها، ازبک‌ها، نورستانی‌ها و حتی برخی خانواده‌های پشتون، سنگینی کرده بود.

قانون ۱۹۲۱ این لکه ننگین را از تاریخ افغانستان زدود. بیگار، این کار اجباری و بی مزد که جان هزاران انسان را گرفته بود، ممنوع شد. ازدواج کودکان، که پیش از آن دختران خردسال را به کالایی برای فروش تبدیل کرده بود، برای نخستین بار غیرقانونی اعلام شد.

امان‌الله قانون را جایگزین عرف‌های پوسیده کرد و افغانستان را صاحب نظام نامه‌های مدرن ساخت. او خود علیه سلطنت مطلقه برخاست و اعلام کرد که حکومت باید از سلطنت جدا باشد. صندوق بیت‌المال را از ارگ بیرون کشید و به نمایندگان مردم سپرد. معاش‌خاندان محمدزایی را قطع کرد و برای خود معاش تعیین نمود. قوه قضاییه مدرن ایجاد شد و شکنجه در زندان‌ها ممنوع گردید. در عرصه معارف، امان‌الله و ملکه ثریا دگرگونی و انقلابی واقعی به پا کردند. آموزش ابتدایی اجباری شد. مکاتب نرسنگ، کمک‌های اولیه، لیسه‌ها، مکاتب مدرن و مکتب طب عصری تأسیس گردید. اساس پوهنتون کابل گذاشته شد.

دختران برای نخستین بار به خارج از کشور اعزام شدند. کورس‌های مبارزه با بی‌سوادی، مکتب‌های شبانه، دارالمعلمین، مکتب حکام و مکتب مرزهای دولتی ایجاد شد. مکتب‌های بسیار «کوچی‌ها» برای رساندن آموزش به مناطق دورافتاده راه افتاد. ملکه ثریا و مادرش شخصاً در کورس‌های آموزشی تدریس می‌کردند. در عرصه زیربنا، شبکه آب رسانی صحی در کابل ایجاد شد. بندهای برق در نقاط مختلف کشور ساخته شد و روشنایی به خانه‌ها راه یافت. بند برق جبل السراج و بند کوچک پغمان و بند سلطان از نخستین نمادهای این تحول بودند. سروی معادن، تفحص نفت و گاز، و ساخت ده‌ها سرک موترو آغاز شد. راه‌های تورخم، جلال‌آباد، کابل، جلال‌آباد، کابل، قندهار، قندهار، هرات و دیگر مسیرهای مواصلاتی، افغانستان را برای نخستین بار به هم پیوند دادند.

در عرصه فرهنگی، موزیم ملی تأسیس شد. کتابخانه عامه کابل گشایش یافت و شاه نسخه‌های خطی گران‌بهای خود را به آن اهدا کرد. روزنامه نگاری مدرن آغاز شد و مطبوعات در مرکز و ولایات منتشر شدند. تقویم هجری شمسی به‌عنوان تقویم ملی پذیرفته شد. باستان‌شناسی علمی آغاز شد. در عرصه حقوق شهروندی، هموطنان هندو و یهودی برای نخستین بار اجازه یافتند از ادانه لباس دلخواه خود را بپوشند و از تحقیر تاریخی رها شوند.

نظام نامه‌های امانی حقوق برابر همه شهروندان را تضمین کرده بود. این ده سال کوتاه، با همه آشوب‌ها، یکی از درخشان‌ترین فصل‌های تاریخ افغانستان است، فصلی که نشان داد اگر اراده ملی، آگاهی اجتماعی و رهبری روشن بین در کنار هم قرار گیرند، حتی جامعه‌ای که قرن‌ها در تاریکی مانده، می‌تواند درخشان‌ترین رویاهای تمدنی را لمس کند. در میان فصل‌های پرآشوب تاریخ معاصر افغانستان، نام شاه امان‌الله خان غازی همچون ستاره‌ای می‌درخشد که با وجود همه طوفان‌ها، مسیر نوسازی و بیداری را روشن کرد. او در جامعه‌ای که هنوز از خواب سنگین قرون بیرون نیامده بود، جرئت آن را یافت که تهداب یک افغانستان نو را بگذارد. افغانستانی که در آن قانون، آموزش، آزادی و کرامت انسانی جایگزین سنت‌های فرسوده و ساختارهای پوسیده شود. از همین روست که دوره امانی را می‌توان «عصر صدها نخستین» در تاریخ وطن نامید، عصری که در آن، بسیاری از مفاهیم مدرن برای نخستین بار در این سرزمین پا گرفتند.

امان‌الله خان نخستین پادشاهی بود که زندگی خانوادگی‌اش را از قید و بند حرم‌سراها و غلام بچه‌ها رها کرد و با یک همسر زندگی کرد، اقدامی که در آن زمان، نه تنها یک انتخاب شخصی، بلکه یک پیام سیاسی و اخلاقی بود. در سایه همین نگاه نو، نخستین جنبش واقعی زنان در افغانستان شکل گرفت، جنبشی که نه از دل تقلید، بلکه از اراده آگاهانه شاه و یاران روشنفکرش برخاست. انجمن حمایت نسوان، به ریاست کبرا جان، خواهر شاه، در سال ۱۹۲۰ بنیان گذاشته شد و به عنوان نخستین سازمان زنانه کشور، راه را برای آگاهی، آموزش و مشارکت زنان هموار کرد. امان‌الله باور داشت که هیچ جامعه‌ای بدون حل مسئله زن، به پیشرفت نمی‌رسد. او بارها تأکید می‌کرد که ترقی اجتماعی از آزادی و آگاهی زنان آغاز می‌شود. برخلاف تبلیغات زهرآگین مخالفان، رفع حجاب در آن دوره نه اجباری بود و نه تحمیلی، بلکه تشویقی بود برای رهایی از قید سنت‌های سخت‌گیرانه، بدون آن‌که کسی مجبور به کنار گذاشتن پوشش خود شود. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای دوره امانی، لغو رسمی برده داری و غلام بچه‌گی بود، پدیده‌ای که قرن‌ها بر شانه‌های مردم، سنگینی کرده بود. قانون ۱۹۲۱ این لکه ننگین را از تاریخ افغانستان زدود، اقدامی که با مقاومت شدید ملاها و صاحبان قدرت روبه‌رو شد، زیرا بسیاری از آنان دختران و کودکان بی‌پناه را همچون کالا در اختیار داشتند و از آنان بهره‌کشی می‌کردند. در همین مسیر، امان‌الله فریاد زد که «بیگار باید برچیده شود». «بیگار، همان کار اجباری و بی‌مزد، و ظالمانه بود که جان هزاران انسان را گرفته بود و شاه جوان با شجاعت آن را ممنوع ساخت. او همچنین برای نخستین بار قانون را جایگزین عرف‌های پوسیده کرد و

افغانستان را صاحب نظام نامه ها و قوانین اساسی ساخت، قوانینی که به گفته جوزف شوگر، حقوق دان برجسته غربی، در حقیقت نخستین قانون اساسی مدرن افغانستان بودند. این قوانین با همکاری حقوق دانان فرانسوی و افغان تدوین شد و شاه شخصاً ماده به ماده آن ها را بررسی می کرد.

در یکی از بی نظیرترین رخدادهای تاریخ سیاسی جهان، امان الله خان خود علیه سلطنت مطلقه برخاست و اعلام کرد که حکومت باید از سلطنت جدا باشد. او مردم را به مشارکت در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراخواند و خواستار آن شد که قدرت از انحصار بیرون آید و به مردم بازگردد. اما شاید مهم ترین ستون اصلاحات امانی، معارف بود. شاه و ملکه ثریا به خوبی می دانستند که بدون آموزش، هیچ تحول پایداری ممکن نیست. از همین رو، بزرگترین مدال افتخار آن دوره «مدال معارف» بود و نماد دوات و کتاب بر بیرق خوش رنگ، ملی و گرامی ما نقش بسته بود. امان الله برای مکاتب جدید استادان هندی و فرانسوی استخدام کرد و شبکه ای از مکاتب ابتدایی را در سراسر کشور گسترش داد.

آموزش ابتدایی اجباری شد و برای نخستین بار، مکتب های نرسنگ، کمک های اولیه، لیسه ها و مکاتب عصری و مدرن تأسیس و گشایش یافت. دروازه های آموزش عالی نیز گشوده شد. مکتب طب عصری ایجاد شد و بسیاری از داکتران برجسته آینده افغانستان از همین نهاد برخاستند. اساس پوهنتون کابل، با نام اعدادیه امانی، در همین دوره گذاشته شد. برای نخستین بار، دختران افغان به خارج از کشور اعزام شدند و گروهی از جوانان برای تحصیلات عالی به فرانسه رفتند. برنامه هایی نیز برای کارآموزی جوانان در فابریکه های اروپایی طراحی شده بود. در عرصه هنر و فرهنگ نیز، دوره امانی نقطه عطفی بود. مکتب صنایع مستظرفه برای رشد موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی، قالبین بافی و دیگر هنرهای زیبا تأسیس شد، هنرهایی که تا آن زمان تنها در قالب های محدود و محلی نفس می کشیدند. مکتب روضیه برای زنان، کورس های مبارزه با بی سوادی، مکتب های شبانه، دارالمعلمین، مکتب حکام و مکتب مرزهای دولتی، همه بخشی از پروژه بزرگ نوسازی بودند.

حتی مکتب های سیار «کوچی ها» برای رساندن آموزش به مناطق دورافتاده ایجاد شد، ابتکاری که در آن زمان در منطقه بی سابقه بود. ملکه ثریا و مادرش شخصاً در کورس های آموزشی برای زنان تدریس می کردند و برای نخستین بار، خدمات عصری برای مادران بنیان گذاشته شد. دوره امانی، با همه آشوب ها و مقاومت ها، فصلی است که در آن افغانستان برای نخستین بار طعم مدرنیته، قانون، آموزش و آزادی را چشید.

این دوره، نه یک تجربه ناقص، بلکه یک رویای ناتمام است، رؤیایی که هنوز در حافظه تاریخی ما زنده است و هر نسل، به گونه ای آن را بازخوانی می کند. دوره امانی، هنگامی که افغانستان برای نخستین بار طعم بیداری فرهنگی، هنری و مدنی را چشید. موجی که از دل اراده شاه جوان و روشنفکر برخاست و صدها «نخستین» را در تاریخ این وطن رقم زد. در آن روزگار، هنر موسیقی در افغانستان یا وجود نداشت یا تنها با حضور معهود هنرمندانی از هند و چند کشور دیگر نفس می کشید. فقر هنری، نشانه فقر روحی جامعه ای بود که هنوز از مرزهای سنت عبور نکرده بود. اما با آغاز اصلاحات امانی، موسیقی، نقاشی، نمایش و سینما برای نخستین بار به عنوان عناصر ضروری فرهنگ ملی شناخته شدند. سینما وارد کشور شد و قرار بود تالارهای نمایش و پرده های نقره ای در سراسر افغانستان برپا شود تا مردم با جهانی تازه آشنا گردند. با وجود شورش ها و بحران های سیاسی، اصلاحات امانی در ده سال کوتاه، چنان گسترده و بنیادی بود که فهرست آن حیرت انگیز است. برای نخستین بار شبکه آبرسانی صحی در کابل ایجاد شد و مردم از آب های آلوده چاه ها و جوی ها نجات یافتند. در حوزه اجتماعی، امان الله یکی از شجاعانه ترین تصمیمات تاریخ افغانستان را گرفت. ممنوعیت ازدواج کودکان. پیش از آن، دختران خردسال در برابر پول ناچیزی به مردان سالخورده فروخته می شدند و قربانی هوس و خشونت می گردیدند. همچنین مراسم پرخرج و طاقت فرسای عروسی، سیالی، شریکی و مرده داری تحت قانون قرار گرفت و از اسراف و فشار اقتصادی بر مردم جلوگیری شد. هر چند سنت گرایان این اصلاحات را تحریم کردند. در همین دوره، سره میاشت، هلال احمر افغانستان پایه گذاری شد و در سال ۱۹۲۸ به عضویت سازمان بین المللی سره میاشت درآمد. شفاخانه های عصری تأسیس شد و یک شفاخانه سیار برای درمان مردم در مناطق دوردست آغاز به کار کرد. یکی از مهم ترین اصلاحات امانی، انتقال صندوق بیت المال از ارگ به اختیار نمایندگان مردم بود. اقدامی که برای نخستین بار مفهوم «امانت داری دولت» را در افغانستان معنا بخشید. شاه برای خود معاش تعیین کرد و معاش خاندان محمدزایی را قطع نمود. اقدامی که در تاریخ سیاسی کشور بی سابقه بود. قوه قضاییه مدرن ایجاد شد و حق محاکمه متخلفان را به دست گرفت. روزنامه نگاری نیز در این دوره احیا شد. مطبوعات مدرن در مرکز و ولایات منتشر می شدند و دوران امانی به حق «عصر رستاخیز رسانه ها» نام گرفت. تقویم هجری شمسی به عنوان تقویم ملی پذیرفته شد تا جشن استقلال دیگر در فصل های مختلف سرگردان نباشد. باستان شناسی علمی برای نخستین بار آغاز شد و موزیم ملی تأسیس گردید. کتابخانه عامه کابل با

ساختاری مدرن گشایش یافت و شاه نسخه‌های خطی گران‌بهای خود را به آن اهدا کرد. قرار بود در ولایات نیز کتابخانه‌های عمومی ایجاد شود. تشکیلات دولتی مدرن شکل گرفت و شکنجه در زندان‌ها ممنوع شد. هموطنان هندو و یهودی برای نخستین‌بار اجازه یافتند آزادانه لباس دلخواه خود را بپوشند، پیش از آن مجبور بودند لباس‌های تحقیرآمیز و مشخص بپوشند. در نظام نامه‌های امانی، حقوق برابر همه شهروندان تضمین شده بود. ده سال دوره امانی، با همه آشوب‌ها، به‌حق دوره «صدها نخستین» است، دوره‌ای که اگرچه کوتاه بود، اما درخشان‌ترین تلاش برای ساختن افغانستانی نو، آزاد، مدرن و انسانی به‌شمار می‌رود.

**آرشیف: مطالب نشر شده ن. جنیل زاد**

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ